



نداشتن بصیرت بزرگ‌ترین نقص یاران امام حسن (ع) بود

يك محقق و اسلام‌شناس گفت: یاران امام حسن (ع) به دلایل مختلف، امام خود را تنها می‌گذاشتند. این دلایل یا به خاطر منافع دنیا و یا نداشتن بصیرت بود و در حقیقت می‌توان نداشتن بصیرت را بزرگ‌ترین نقیصه یاران امام حسن (ع) دانست.

يك محقق و اسلام‌شناس گفت: یاران امام حسن (ع) به دلایل مختلف، امام خود را تنها می‌گذاشتند. این دلایل یا به خاطر منافع دنیا و یا نداشتن بصیرت بود و در حقیقت می‌توان نداشتن بصیرت را بزرگ‌ترین نقیصه یاران امام حسن (ع) دانست.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، ولایت را می‌توان مهم‌ترین موضوع اسلام سیاسی دانست؛ چرا که تنها این امر است که ارتباط با خداوند را بعد از اتمام بعثت پیامبران میسر می‌کند و در صورت دور ماندن از ولایت، به نوعی ارتباط با خالق هستی منقطع می‌شود. ولایت در اسلام و به اعتقاد شیعه، عبارت است از ایمان زبانی و اعتقادی به امامت 12 امام عادل و معصوم که پیامبر گرامی اسلام (ص) در خطبه شریفه غدیر نام آنها را ذکر کرده است. و همان‌گونه که بیان شد، عدالت و عصمت این امامان، مشخصه اصلی آنهاست. حال به بهانه فرارسیدن 28 صفر، سال‌روز شهادت امام حسن مجتبی (ع)، برای شناخت از چگونگی اندیشه ولایت در رفتار و گفتار این امام همام، به سراغ حجت‌الاسلام علی صحت تبریزی، کارشناس و محقق دینی می‌رویم تا با اقدام‌های امام سوم شیعیان درباره بحث ولایت گفت‌وگو کنیم. با ما همراه باشید.

* اثبات عصمت امامت با قرآن به وسیله امام حسن (ع)

حجت‌الاسلام علی صحت تبریزی در ابتدای سخنان خود با اشاره به اولین خطبه‌خوانی امام حسن مجتبی (ع) در مسجد کوفه بعد از شهادت پدر بزرگوارش گفت: امام حسن (ع) روز 21 یا 22 رمضان سال 40 هجری، پس از آنکه که امیرالمؤمنین (ع) به شهادت رسید، برای مردم کوفه در مسجد این شهر سخنرانی و سخنان خود را با این عبارات آغاز کرد؛ «ایها الناس من عرفني فقد عرفني ومن لم يعرفني فانا الحسن بن علي بن ابي طالب» یعنی ای مردم! هر کس من را می‌شناسد که هیچ؛ اما آنهایی که من را نمی‌شناسند، بدانند که من حسن پسر علی پسر ابیطالب هستم. بعد توصیف خود و پدر بزرگوارش را داد و مقام اهل بیت (ع) را یادآور شد. پس از این سخنان بود که به آیه 33 سوره احزاب اشاره کرد و فرمود که آیه تطهیر، در باره اهل بیت (ع) نازل شده است. وی افزود: در این آیه خدا می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (همانا خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند) خداوند در این آیه مقام عصمت اهل بیت (ع) را بیان می‌کند و امام حسن (ع) با رجوع به این آیه قصد داشت تا دور از خطا بودن خود، پدرش و امامان بعد از خودش را به مردم و مسلمانان گوشزد، کند.

صحت ادامه داد: امام حسن (ع) در بخش دیگری از خطبه معروف خود رد مسجد کوفه، به آیه 23 سوره مبارکه شورا اشاره کرد که خدا در آن می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعا خدا آمرزنده و قدرشناس است) و امام حسن (ع) بعد از قرائت این آیه رو به مردم فرمود که؛ خداوند، مودت و محبت ما را بر همه مسلمین واجب کرده است.

* امام حسن (ع) خود را امام واجب‌الاطاعه معرفی کرده است

این کارشناس دینی در ادامه سخنان خود اظهار کرد: با توجه به این آیاتی که امام حسن مجتبی (ع) در اولین خطبه‌اش مطرح کرد، امام خودش را به عنوان شخص واجب‌الاطاعه و معصوم معرفی کرد و در جریان‌های مختلف این عصمت خود را به خاطر دارا بودن مقام امامت یادآور می‌شد.

وی تصریح کرد: از جمله اینکه وقتی برخی از مسلمانان امام حسن (ع) را به خاطر صلح با معاویه، حتی مورد سرزنش قرار می‌دادند، امام حسن (ع) ضمن ادله عقلی می‌فرمود: «آیا مگر من حجت خدا بر خلق نیستم؟ آیا مگر اطاعت من بر مردم واجب نیست؟» که باز در این فرمایشات، مسئله ولایت و امامت و حجت بودن و داشتن عصمت امام را مطرح می‌کرد.

وی با تأکید بر اینکه شیعه باید مسئله امامت را تنها يك مسئله عقلی نداند؛ بلکه باید به مسئله عصمت و این موضوع که امام خطا نمی‌کند و علم امامت دارد، بپردازد، گفت: امام حسن (ع) در مسئله صلح با معاویه، بیش‌تر به مسئله امامت و عصمت تکیه می‌کند؛ با اینکه مسایل عقلی و سیاسی را همه برای دلایل قبول آن مطرح می‌کند.

* پیامبر (ص)، حسن (ع) و حسین (ع) را امام خواند، چه قیام کنند و چه قیام نکنند

صحت ادامه داد: علم امامت و عصمت از شاخصه‌های امامت منصوصه است. و در تعریف امروزی از علم امامت می‌توان گفت؛ علمی است که از ماورای مسایل ظاهری هم اطلاع دارد و امام به واسطه داشتن آن در هیچ امری و تصمیمی اشتباه نمی‌کند. وی با اشاره به مشترک بودن آرای شیعه و سنی درباره امامت گفت: از جمله اصول مورد قبول علمای شیعه و اهل تسنن، نزول آیه تطهیر راجع به اهل بیت (ع) است. پس این آیه درباره عصمت و دور از خطا بودن امامان از جمله امام حسن (ع) و نشان دهنده مقام عصمت ایشان است. همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) هم طبق روایاتی که در کتاب‌های معتبر شیعه و سنی موجود است، فرمود: «الحسن و الحسين امامان قاما او قعدا» یعنی اینکه حسن و حسین، امام هستند، چه قیام کنند و چه قیام نکنند. که این روایت همانگونه که بیان شد مورد قبول همه علمای اسلامی است. وی تأکید کرد: پس امامت امام حسن (ع) را که پیامبر (ص) امضاء می‌کند، معلوم می‌شود، امامی است که دچار اشتباه نخواهد شد. بنابراین اگر این را قبول داشته باشیم، نمی‌توانیم صلح او را که هم جزو همان اندیشه‌ها و افکار امامت آن بزرگوار است را خطا و خدای ناکرده کاری اشتباه قلمداد کنیم.

* شهادت امام حسن (ع) هم به خاطر بیعت گرفتن برای یزید بود

صحت همچنین با بیان اینکه امروزه معرفت به امامت بیش از هر زمان دیگری است، گفت: اطرافیان امام حسن (ع) معرفت آنگونه را به امام نداشتند. و معرفت نداشتن، سبب شد تا امام حسن (ع) و همچنین امام حسین (ع) را برای بیعت کردن به شهادت برسند. وی گفت: چون معاویه می‌خواست یزید را جانشین خود کند و می‌دانست که در صورت حیات امام حسن (ع) این کار غیرممکن خواهد بود، تصمیم به کشتن او کرد. امام حسین (ع) هم چون با یزید بیعت نکرد، به شهادت رسید و در حقیقت، پسران امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) قربانیان طمع معاویه برای خلافت خاندان بنی‌امیه شدند. این محقق و اسلام‌شناس همچنین به بی‌بصیرتی مسلمانان صدر اسلام در تنها گذاشتن امامان اشاره و بیان کرد: متأسفانه در آن دوره بصیرتی نسبت به خاندان پیامبر (ص) مگر در عده‌ای اندک شمار وجود خارجی نداشت. در آن دوره به مسئله عصمت و امامت آگاهی نداشتند و فرزندان رسول‌الله (ص) را تنها به این خاطر که ذریه پیامبرشان بودند، محترم می‌شماردند نه به عنوان امام؛ البته اگر این بصیرت فعلی برای آنها حاضر بود، در دفاع از امامشان کوتاهی نمی‌کردند. وی افزود: در جریان واقعه عاشورا هم، امام حسین (ع) را به عنوان امام معصوم نمی‌شناختند و او را تنها به دلیل اینکه لایق حکمرانی به مسلمانان است، و توانایی هدایت مردم را دارد، می‌شناختند. زیرا می‌بینیم که محمد حنفیه‌ها به امام حسین (ع) می‌گویند که به کربلا برو و امام را راهنمایی می‌کردند؛ در حالی که او از طرف خدا هدایت شده است و هم هدایت کننده و هم هدایت شده بود و احتیاج به هدایت از سوی بندگان و مشورت آنان نداشت. وی با اشاره به آثار سوء فراوان بی‌بصیرتی یاران امام حسن (ع) گفت: آنها به دلایل مختلف، مقام امام را تنها می‌گذاشتند. این دلایل حال یا به خاطر منافع دنیا و یا نداشتن بصیرت بود. مثلاً ابن عباس را معاویه با وعده پول فریب داد. برای یاران دیگر امام حسین (ع) هم این موارد بود. آنها یا به خاطر مطامع دنیوی و یا بی‌بصیرتی نسبت به مقام عصمت و امامت، اردوگاه امامت را تضعیف کردند.

* نقش امام حسن (ع) درباره آماده‌سازی قیام امام حسین (ع)

صحت با اشاره به روایتی از امام سوم شیعیان اظهار کرد: امام حسن (ع) فرمود: «به خدا قسم! آنچه را من انجام نمی‌دادم يك نفر از شیعیان باقی نمی‌ماند.» از این سخن می‌توان به این نکته دست یافت که معاویه مخصوصاً می‌خواست جنگ راه بیاندازد تا شیعیان را بکشد. پس اگر صلح امام حسن (ع) نبود، اصلاً کربلایی نبود. کربلا در حقیقت از برکات وجود و تصمیم الهی امام حسن (ع) است. امام حسن (ع) به صراحت به مسلمانان فرمود که به خدا قسم! اگر صلح نمی‌کردم، معاویه يك نفر از شیعیان، برادرم حسین و اصحابش را زنده نمی‌گذاشت. پس اگر چنین می‌شد، امام حسین (ع) نبود تا کربلایی هم پدید بیاید. وی همچنین با اشاره به خبردهی امام حسن (ع) از واقعه جانشورای حسینی اظهار کرد: آن امام در سخنانش، فراوان درباره کربلا صحبت کرده بود. روایتی است که روزی امام حسین (ع)، برادر خود امام حسن (ع) را دید و گریه کرد. امام پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ امام حسین (ع) فرمود: روزی جدم گفت که تو را زهر می‌دهند و بدنت کیود می‌شود. بعد از آن امام حسن (ع) گفت: روزی مثل روزگار تو نیست که تو را شهید می‌کنند. وی افزود: همچنین امام حسن (ع) از شهادت پسرش قاسم در واقعه کربلا خبر داده‌بود، باید عرض کنم که در کربلا قاسم بن الحسن شهید شد و پسر دیگر امام حسن (ع) به نام عبدالله، روز عاشورا به سختی مجروح شد و جزو اسرای کوفه بود که در آنجا توسط یکی از بستگان مادری‌اش تحت درمان قرار گرفت و سال‌ها بعد از آن زندگی کرد.

* انقلابیون اسلام همه از نسل امام حسن (ع) هستند

این کارشناس علوم دینی و اسلامی اظهار کرد: بعد از جریان عاشورای حسینی که شاهد ظهور و بروز قیام‌های عدالت‌خواهانه شیعیان هستیم، می‌بینیم که تمام قیام‌کنندگان به جز دو نفر همه از آل حسن (ع) هستند. این انقلاب‌ها با عبدالله بن حسن و فرزندش حسن

مثنی و پسر او محمد بن حسن، معروف به نفس زکیه آغاز شد و تا قیام آل حسن (ع) در زمان بنی عباس و خلافت منصور دوانقی ادامه داشت.

حجت الاسلام علی صحت تبریزی در پایان سخنان خود با اشاره به اینکه از اولاد امام حسین (ع) تنها زید بن علی و پسرش یحیی، اقدام به قیام کردند، گفت: اولاد و نسل امام حسین (ع) توسط امامت که آنها نیز از نسل امام سوم شیعیان هستند، کنترل می شدند و معمولاً از قیام نهی می شدند؛ اما اولاد و نسل امام حسن (ع) در دوره های تاریخی مختلف، اقدام برپایی قیام کرده بودند تا از مظلومیت های رفته بر امامانشان و اجدادشان خونخواهی کنند.